

MAHSA DAY

SEPTEMBER 16TH

روز زن آزادی

وعده ما در خیابان ها
شنبه ۲۵ شهریور



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۳۸

جمعه ۲۷ مرداد ۱۴۰۲، ۱۸ اوت ۲۰۲۳

هدیه آمریکا کمکی به نجات حکومت نمی کند

کاظم نیکخواه

خبر آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده ایران در ازاء آزادی گروگان‌های امریکائی، از زوایای مختلفی مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است. مبلغان حکومت اسلامی جشن گرفته‌اند که جمهوری اسلامی به یک برد بزرگ دست یافته است. دولت بایدن هم آن را برد دیگری برای خود می‌داند. اما بسیاری از مردم در ایران از این معامله عصبانی‌اند. یک شعار بازنشستگان کشوری این هفته این بود "دشمن ما آمریکاست، دست تو دست آخوند است." این شعار بعد از این توافق به جای شعار قبلی که می‌گفتند "دشمن ما همین جاست دروغ می‌گن آمریکاست" نشسته است.

برخی رسانه‌های داخل کشور نیز تبلیغات حکومت در رسای پیروزی و تحول مثبت در این طرح را زیر سؤال برده و آن را یک مسکن موقت می‌دانند. برای نمونه روزنامه شرق روز ۲۴ مرداد در مطلبی با عنوان "راهبرد کلان سیاست خارجی ما چیست؟"، نوشته است آزادسازی بیش از شش میلیارد دلار از پول‌های مسدود شده نمی‌تواند به رفع بحران‌ها در ایران کمک کند چرا که دلیل آن "فقدان منابع کافی و مدیریت کارآمد" در کشور است. این روزنامه در اشاره به معامله آمریکا و جمهوری اسلامی نوشت "اگر راهبرد دولت گذران روزمره و باری به هر جهت و از این ستون به آن ستون باشد، شاید بشود با این اقدامات مدتی سر کرد. اما بدون شک، تشدید مستمر انواع بحران‌ها در حوزه‌های متعدد به دلیل فقدان منابع کافی و مدیریت کارآمد ادامه خواهد یافت."

سؤال این است که آیا به هر حال توافق اخیر دولت بایدن با جمهوری اسلامی، شروع عادی شدن رابطه آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی است؟ و اگر آری نتیجه چه می‌شود؟

جواب قطعاً منفی است. این تکرار اوضاع الکلنگی و مکرر قبلی است. بحران و تنش بین آمریکا و غرب و جمهوری اسلامی با این تصمیمات تمام نمی‌شود و قطعاً ادامه خواهد یافت. هم اکنون در خود آمریکا انتقادات به امتیاز دادن به جمهوری اسلامی گسترده است و آن را تشویق تروریست‌ها به گروگان‌گیری می‌دانند. طبعاً بسیاری هم خوشحال‌اند که گروگان‌ها آزاد می‌شوند.

نکته اساسی این است که اولاً اقتصاد جمهوری اسلامی به شدت فلج و زمین گیر است و با چند میلیارد پولی که به آن تزریق شود، تکانی نخواهد خورد. بعلاوه فساد و دزدی آن‌چنان در این حکومت عمیق است که این پول‌ها و بسیار بیشتر از آن در همان مسیر راه و نرسیده به بانک، توسط مافیای حاکم بالا کشیده می‌شود و به حساب‌های شخصی در کشورهای مختلف سرزیر می‌شود. همین‌الان حکومت ادامه در صفحه ۵

انقلاب زن، زندگی، آزادی

در سال روز تولدش

پاسخ حمید تقوایی به یک سؤال

صفحه ۲

ریشه مرگ بر اندام حکومت در اولین سالروز انقلاب

مهران محبی

صفحه ۳

بودجه‌های نجومی برای مراسم اربعین حکومتی!

محمد شکوهی

صفحه ۴

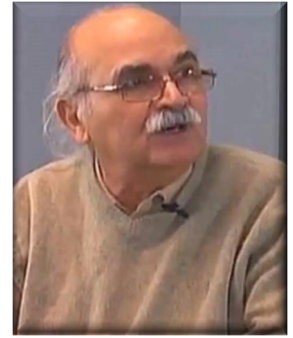
اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۶

گزارشی از آکسیون‌های هفته اخیر

صفحه ۱۱

انقلاب زن، زندگی، آزادی در سالروز تولدش پاسخ حمید تقوایی به یک سؤال



محوری‌اش یعنی زن زندگی آزادی که مقبولیت جهانی یافته است توده وسیع مردم ایران از تهران و زاهدان و سنندج و اصفهان و تبریز و صدها شهر و روستای دیگر ایران را متحد و نمایندگی می‌کند، توده ایرانیان مهاجر در همه کشورها را به خیابان‌ها کشانده و حمایت چهره‌های آزادی‌خواه و سازمان‌های چپ و بشردوست و حتی دولت‌ها و سیاستمداران را به خود جلب کرده است، و خواست‌ها و اهدافش را اسنادی نظیر منشور ۱۲ ماده‌ای که از جانب بیست تشکل معتبر و سرشناس اعتراضی و صنفی و مدنی شکل گرفته در دل مبارزات کارگری و اعتراضات معلمان و دانشجویان و زنان منتشر شد، و همچنین منشور مطالبات پیشرو زنان به امضای فعالین سرشناس جنبش آزادی زن، نمایندگی می‌کند. انقلابی که تعرضی‌تر و رادیکال‌تر و پیگیرتر و سراسری‌تر از همه خیزش‌های سرنگونی طلبانه گذشته، علیه کل نظام جمهوری اسلامی به میدان آمده است.

این انقلاب تا همین‌جا تغییراتی اساسی در شرایط سیاسی ایران ایجاد کرده است. تغییراتی تماماً به نفع توده مردم به‌پاخته و به ضرر حکومت. این شرایط دیگر قابل بازگشت به دوره قبل از انقلاب نیست. حکومت دیگر از کمترین اعتبار و مقبولیتی نه تنها در میان توده مردم؛ بلکه حتی در میان بخش عمده‌ای از طرفداران قبلی خودش نیز برخوردار نیست و در سطح جهانی هم تشتت رسوائی‌اش از باهما فرو افتاده و در ردیف حکومت‌های منفوری نظیر رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی قرار گرفته است.

امروز با قاطعیت می‌توان گفت که روند تحولاتی که با جان‌باختن مهسا امینی شروع شد تا سرنگونی کامل حکومت ادامه خواهد داشت. انقلاب جاری نیز مثل هر انقلاب دیگری فراز و فرود خواهد داشت؛ اما تحت هیچ شرایطی متوقف نخواهد شد. با هر افت و خیزی مانورهای حکومت و به‌ویژه برخورد دولت‌های منطقه و دول غربی به قاتلین حاکم بر ایران تغییراتی خواهد داشت؛ اما حرف آخر را انقلاب مردم خواهد زد. هیچ راه نجاتی برای حکومت و نظام جمهوری اسلامی متصور نیست. حتی جناح‌های حکومتی نیز بر این واقعیت واقف‌اند و در کشمکش‌های درونی‌شان "اشتباهات" یکدیگر را مدام بر سر هم می‌کوبند.

با نزدیک شدن به سالگرد انقلاب تعرض صفوف انقلاب و تشتت صفوف حکومت تشدید خواهد شد. همه چیز نشان‌دهنده این است که ۲۵ شهریور، سالگرد جان‌باختن مهسا (ژینا) امینی و آغاز انقلاب زن زندگی آزادی، می‌تواند نقطه اوج دیگری در روند تجمعات و تظاهرات‌های توده‌ای در سراسر کشور باشد. روزی که همانطور که حزب ما بارها تأکید کرده است باید به‌عنوان یک روز تعطیلی عمومی و رسمی در بزرگداشت مهساها و نیکاه‌ها و ساریناها و خدانورها و دیگر عزیزان جان‌باخته در انقلاب جاری و در مبارزات چهار دهه اخیر، علیه قاتلین حاکم در تقویم ایران ثبت شود و هر سال بزرگ داشته شود.

دور نیست روزی که انقلاب زن زندگی آزادی با پیروزی کامل بر جمهوری اسلامی و کل نظام موجود به فرجام برسد. دومین سالگرد انقلاب را بر مزار جمهوری اسلامی جشن خواهیم گرفت.

۲۴ مرداد ۱۴۰۲، ۱۵ اوت ۲۰۲۳

انترناسیونال: باتوجه‌به گذشت یک سال از آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی، شرایط جامعه، جنبش سرنگونی و موقعیت انقلاب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حمید تقوایی: مهم‌ترین نتیجه انقلاب زن زندگی آزادی تبدیل سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی به مسئله‌محوری و مبرم کل جامعه، توده مردم و خود حکومت، بوده است. همه سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومتی‌ها، حتی در حوزه سیاست خارجی، هدف عقب راندن اعتراضات و خیزش انقلابی مردم در عرصه‌های مختلف را دنبال می‌کند. از طرح و تصویب لایحه حجاب و عفاف و بحث و کشمکش طولانی مقامات بر سر این موضوع که حتی بعد از تصویب این لایحه ادامه دارد، بگیرد تا محاکمات و دستگیری‌ها و اعدام‌ها، تا حمله به زندان اوین و شاه‌چراغ و حمله شیمیایی به مدارس و هزینه چند هزارمیلیاردی برای مراسم اربعین، و تا تجدید رابطه با عربستان و عقب‌نشینی‌های منطقه‌ای و رابطه با دول غربی و غیره و غیره. در همه این موارد اساس و محور مواضع و عملکرد حکومت حفظ بقا و احیای موقعیت از دست‌رفته‌اش در اثر انقلاب در خود جامعه ایران و در منطقه و در سطح جهانی است. در واقع موتور تحولات ایران در یک سال اخیر انقلاب زن زندگی آزادی بوده است و این روند همچنان ادامه دارد. استیصال و درماندگی و سردرگمی شاخص سیاست‌های حکومتی در این دوره است.

بر عکس، در جبهه مردم ما شاهد تعرض و پیشروی و ابتکار عمل در سطحی گسترده و بی‌سابقه بوده‌ایم. توده‌گیر شدن جنبش بی‌حجابی و فتح عملی خاکریز حجاب به‌وسیله مردم، تبدیل مراسم خاک‌سپاری و هفتم‌ها و چهلم‌ها و حتی جشن تولدهای عزیزان جان‌باخته به تجمعات اعتراضی علیه حکومت، تداوم شعارنویسی‌های دیواری علیه خامنه‌ای و کل حکومت، شکستن مقدسات و تابوهای اسلامی حتی در ماه محرم به‌نحوی که حتی نوحه‌خوانی‌ها و سینه‌زنی‌های سنتی به تجمعات اعتراض سیاسی علیه حکومت تبدیل شد، تداوم اعتراضات و اعتصابات کارگری به‌ویژه در بخش کلیدی نفت و پتروشیمی، تجمعات مداوم و پیوسته بازنشستگان، رقص و پایکوبی و شادی مردم و برپایی کارناوال‌های خیابانی به بهانه‌های مختلف، و بالاخره تعرض گسترده به حکومت و اسلامش در مدیای اجتماعی که حتی مقامات حکومتی را واداشته است به شکست خود در این عرصه اعتراف کنند، همه حاکی از تعرض بی‌سابقه یک جامعه به‌پاخته علیه یک حکومت درمانده و رو به سقوط است. انقلاب زن زندگی آزادی در اشکال مختلف ادامه دارد و چشم‌انداز روشن و امیدبخشی را در برابر مردم قرار می‌دهد.

این شرایط بر دوش اعتراضات و مبارزات مداوم کارگران و زنان و جوانان از بدو روی کار آمدن رژیم تا امروز شکل گرفته است. مشخصاً جنبش سرنگونی که آغاز آن به خیزش ۱۸ تیر ۱۳۷۸ برمی‌گردد و نقطه اوج‌هایی نظیر خیزش توده‌های ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ را پشت سر گذاشته است، اکنون به انقلاب عظیمی تبدیل شده است که می‌رود تومار حکومت را در هم بیچند. این انقلاب قابل‌مقایسه با خیزش‌های گذشته نیست. این نقطه اوجی در جنبش سرنگونی است که برای اولین بار به‌وسیله خود مردم و دست‌اندرکاران این حرکت توده‌ای عنوان انقلاب گرفته است، شعار

ر عشه مرگ بر اندام حکومت در اولین سالروز انقلاب

مهران محبی

این روزها به هر گوشه از جامعه نگاه کنی، جوش و خروش و غلیان مردم بخصوص زنان و مردان جوان متنفر از حکومت و عوامل سرکوبش را می بینی. جوانان خود را آماده تسخیر خیابان ها و از سرگیری اعتراضات خیابانی در سالروز شروع انقلاب در ۲۵ شهریور، روز قتل مهسا امینی نماد انقلاب "زن، زندگی، آزادی" می کنند و با گسترش شعارنویسی ها و پخش تراکت ها به جامعه فراخوان ادامه انقلاب با قدرت به مراتب بیشتر برای وارد آوردن ضربات مهلک تر بر پیکر فرتوت و از هم پاشیده حکومت می دهند. زنان همچنان بر جسارت (به گفته سران حکومت، گستاخی) خود در برابر تهدیدات و خط و نشان کشیدن ها می افزایند و مأموران و مزدوران سرکوبگر را مدام بی آبرو و بی اعتبار و بی حیثیت تر می کنند.

این اوضاع است که حکومت را به وحشت انداخته است. هر تلاش و تقلائی برای اعمال خشونت بیشتر و بازگرداندن حجاب به خیابان با شکست خفت بارتری مواجه می شود. رسوائی و بی آبرویی هایشان به خاطر شکست قوانین و طرح هایشان به حدی سنگین و گران است که

پیشنهاد دهندگان و ابلاغ کنندگان بلافاصله اعلام برائت می کنند که پیشنهاد و طرح آنها نبوده و از زیر بار هر مسئولیتی شانه خالی می کنند.

رئییسی جلاد یکی از آن سران است که دستور بازگشت گشت ارشاد به خیابان در دهه محرم را صادر کرده بود و بعدش با درماندگی و شرمندگی مسئولیت را از سر خود باز کرد. اما همین جنایت کار تازگی باز هم به خودی هایشان وعده داد که به زودی بی حجابی را جمع می کند. این جمله اش شبیه همان جفنگی است که سال پیش گفت تا آغاز سال تازه (طی دو هفته) فقر را از جامعه جارو می کنیم! او حتی جرئت نکرد مشخص کند که

کدام نیروی حکومتی قرار است بی حجابی را جمع کند. رادان هم که قبلاً وعده داده بود که از ۲۶ فروردین (معروف به شنبه موعود) سرکوب شدید زنان بی حجاب را آغاز خواهد کرد و نتیجه اش آشکارتر شدن ناتوانی و درماندگی نیروهای تحت فرمانش در برابر مقاومت و مقابله زنان و جوانان گردیده، از تمهیدات جدید امنیتی مبنی بر نصب ۲۰ هزار دوربین بر روی البسه نیروهای پلیس و ایجاد شبکه های وسیع نظارتی و خواباندن کابل های نوری مخصوص دوربین های مدار بسته و همچنین نصب دوربین های خیلی بیشتر و پیشرفته تر امنیتی که قادر به تشخیص چهره هستند در سطح شهرها خبر می دهد. ولی این بار دیگر زمان باز کردن قلاده های درندگانش و به جان مردم انداختنش را تعیین نکرد!

با این حال حکومت بیکار ننشسته است و این روزها بدون اعلام رسمی و علنی هیچ یک از سران و سرداران نظام از ترس اینکه طرح و فرمانشان در اثر مقابله مردم با شکست مواجه شود و برایشان مسئولیتی در پی داشته باشد، دستگاه های جنایت کار قضائی و امنیتی اش وسیعاً شروع به تهدید، احضار و بازداشت زندانیان سیاسی سابق و بازداشت شدگان در جریان

انقلاب جاری که اکنون آزاد هستند، کرده اند. طی کمتر از یک ماه دهها دانشجو و فعال سیاسی و اجتماعی را احضار و تهدید کرده اند تا از ایشان تعهد بگیرند در اعتراضات پیشرو به مناسبت سالروز شروع انقلاب شرکت نکنند. ده ها نفر در تهران، ایلام و سنندج و دیگر شهرها را بازداشت کرده اند و همچنان تلاش می کنند تا فضای جامعه را امنیتی کنند. شهرداری تهران ۴۰۰ نفر با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومانی برای مقابله با بی حجابی در متروی تهران تحت عنوان حجاب بان استخدام می کند، اما بخش قابل توجه این خبر، تعیین حدود و وظایف حجاب بانان است! وظایف حجاب بانان طبق اظهارات مقامات شهرداری فقط تذکر لسانی و ممانعت از زنان بی حجاب و بدحجاب به مترو و معرفی آنان به پلیس است. تأکید می کنند از آنجاکه برخوردهای خشن باعث تحریک مردم می شود، حجاب بانان حق هیچ برخورد خشن و فیزیکی ای ندارند و در صورت بروز، حجاب بان اخراج می شود!

اینجاست که باز هم اذعان به استیصال و ناتوانی سران و مزدورانشان در مقابله با مردم معترض و زنان آزادی خواه از زبان خودشان جاری می شود!

عریده می کشند و تهدید می کنند که

بی حجابی را جمع می کنند، چنان می کنند و چنین می کنند، اما در آخر تغییر لحن می دهند و هشدار پرهیز از برخورد فیزیکی و خشن با بی حجابان می دهند تا مبادا مردم را تحریک به اقدام متقابل کنند.

قانون به پیش می کشند و لایحه سرکوب را از این مجلس به آن مجلس می برند؛ ولی به خاطر عدم اطمینان از داشتن توان اجرایی کردنش نمی توانند تصویبشان کنند. حتی گزارشاتشان از روند جلسات و نشست ها بر سر تصویب لوایح و قوانینشان را با زبانی الکن و دوپهلوی و غیرشفاف اعلام می کنند.

این سردرگمی ها و به هم ریختگی های درون حکومتی فقط ناشی از وحشت از خطر انقلاب است که با نزدیک تر شدن به سالروز شروعش و تبوتاب و جنب و جوشی که در سطح جامعه برای تشدید اعتراضات به چشم می خورد، رعشه مرگ بر پیکر حکومت انداخته است. حکومت علی رغم چنگ و دندان نشان دادن هایش، علی رغم تشدید تهدیدات، احضارها و بازداشت های وسیعی که این روزها اعمال می کند، حکومتی از پای درآمده است. می گیرد و می بندد، اما مردم و به ویژه جوانان با شعار "بازداشت، شکنجه و کشتار دیگر اثر ندارد" مقابله می کنند.

جمهوری اسلامی پیکری متعفن و درمانده و ناامید است که بیشتر به یک نعش شباهت دارد و در انتظار نعش کش است تا به گورستان انتقالش دهند. نعش کش جمهوری اسلامی، انقلاب در جریان مردم است که به به زودی انتظار حکومت را برآورده خواهد کرد. *



بودجه‌های نجومی برای مراسم اربعین حکومتی!



محمد شکوهی

در هفته‌های اخیر جمهوری اسلامی مشغول تدارک راه‌اندازی مراسم اربعین است و تاکنون ۶۰۰ میلیون دلار برای این امر هزینه کرده است. قبلاً "ستاد اربعین حکومت" با تأکید خامنه‌ای حدود یک سال پیش طرح اختصاص بودجه‌های نجومی، اعتبارات و امکانات را تهیه و به دولت برای تأمین بودجه آن، اعلام کرده بود.

بر اساس طرح این ستاد، دولت و چندین وزارتخانه‌اش، از وزارت کشور گرفته تا خارجه، حوزه‌های علمیه، بیت رهبری، سازمان تبلیغات اسلامی، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها، صداوسیما و در یک کلام دم و دستگاه‌های حکومتی برای برگزاری اربعین حکومتی باید به خط شوند.

در کنار بودجه‌های کلانی که ستاد اربعین هرساله دریافت می‌کند، امسال میزان و ابعاد بودجه و اعتبار و امکانات، با همکاری دولت و بانک مرکزی و نهادهای بانفوذ دیگر حکومتی، ابعاد بسیار نجومی و بزرگی به خود گرفته است. بر اساس آخرین اعلام دولت و ستاد اربعین تاکنون ۶۰۰ میلیون دلار بودجه برای این امر تأمین شده است. علاوه بر این تمام امکانات استان‌های هم‌مرز با عراق، به طور کامل در اختیار این ستاد و برای پیشبرد این برنامه‌ها قرار گرفته است.

دست‌اندرکاران حکومتی اربعین با اشاره به اعتراضات سال گذشته، و خطر دین‌زدایی و به میدان آمدن انقلاب زن زندگی آزادی، امسال در نظر دارند راهپیمایی اربعین حکومتی را تبدیل به یک "قدرت‌نمایی" بر علیه مردم و به‌ویژه علیه انقلاب بکنند. اعتراف کرده‌اند که جمهوری اسلامی و کیان نظام اسلامی‌اش در برابر جنبش ضد دین و ضد‌مذهبی صدمه‌دیده و باید دست به "قدرت‌نمایی در حماسه اربعین" در برابر جنبش عظیم ضد مذهبی و انقلاب مردم بزنند. مذهب صنعت پرسود و ایدئولوژی حفظ و بقای حکومت است. امری که زیر ضرب انقلاب مردم قرار گرفته و ضربات سنگینی بر پیکر کل اسلام و ارزش‌های مذهبی و به‌طریق اولی جمهوری اسلامی وارد کرده است. اما در باره تأمین بودجه اربعین.

حدود دو هفته پیش فرزین رئیس بانک مرکزی حکومت اعلام کرد که به دلیل کمبود ارزهای خارجی به‌ویژه دلار به زائران ایرانی که برای اربعین عازم عتبات عالیات در عراق می‌شوند، ۲۰۰ هزار دینار عراقی برای هر فرد پرداخت می‌شود. حکومت می‌گوید حساب و کتاب کرده که قرار است ۴ میلیون نفر راهی این مضحکه بکند و برای این امر ۸۰۰ میلیارد دینار عراقی، معادل حدود ۶۰۰ میلیون دلار بودجه اختصاص داده است.

دولت در باره تأمین این بودجه نجومی از اختصاص دارایی‌های آزاد شده رژیم در بانک‌های عراقی اسم برده که قرار است مورد استفاده قرار گیرد. لازم به توضیح است طبق اعلام آمریکا مبنی بر آزادسازی پول‌های حاصل از صادرات برق ایران به عراق، دولت عراق این پول‌ها را نه به دلار، بلکه به دینار در بانک‌های عراق نگه داشته است که قرار است برای واردات کالاهای اساسی و دارو مورد استفاده قرار گیرد. الان حکومت صدها میلیون دلار از این پول‌ها را در قالب

پرداخت به زائران اربعین برداشت و برای این امر حکومتی هزینه می‌کند.

علاوه بر این حکومت اعلام کرده که برای انتقال زائران به عراق باید بیش از ۷ هزار دستگاه اتوبوس تهیه شود که امکان تهیه این تعداد اتوبوس از داخل وجود ندارد، در نتیجه از کشورهای همسایه اتوبوس کرایه‌ای وارد کرده است.

در اقدامی دیگر هفته گذشته گمرک حکومت دستور ترخیص و ارسال هزاران تن کالای اساسی از گمرکات جنوب کشور برای تأمین نیازهای غذایی رایگان زائران به عراق را صادر کرد. در کنار آن وزارت راه‌وترباری مسئول انتقال این اقلام به عراق شده است.

در تازه‌ترین خبر در این مورد رسانه‌های حکومتی گزارش دادند رئیسی ۹ دستور درباره اربعین به وزیر کشور درباره "خدمت‌رسانی بدون تابلوی دولتی" داده است که بر اساس آن دولت و دست‌اندرکاران این مضحکه حکومتی این بار "بدون نام" قرار است وارد ارائه خدمات به زائران شوند!

اینها برخی اخبار مهم پیرامون تلاش‌های دولت برای سازماندهی مراسم اربعین با اختصاص دادن هزینه‌های نجومی برای این امر است. ابعاد هزینه بسیار بیشتر از این اقلام اعلام شده می‌باشد.

حکومت این هزینه‌های نجومی را در حالی به این مضحکه‌اش اختصاص داده که میلیون‌ها نفر از مردم از مشکل قطعی آب و برق، گاز، نان، آرد و به‌تازگی بنزین رنج می‌برند. بیمارستان‌های دولتی با کمبود تخت و تجهیزات پزشکی، کمبود دارو و بودجه روبرو هستند. هزاران کارگر، معلم، پرستار و بازنشسته ماه‌ها حقوق‌هایشان با تأخیر پرداخت می‌شود. یک بهانه حکومت همیشه کمبود پول و اعتبار اعلام شده است. ده‌ها پروژه آبرسانی به گفته خود حکومت به دلیل عدم اختصاص بودجه خوابیده‌اند و بحران آب روز بروز گسترده می‌شود.

کمبود دوا و درمان و داروهای مخصوص بیماران ویژه به دلیل عدم اختصاص ارز دولتی وعده‌داده‌شده برای واردات این داروها، باعث افزایش مرگ‌ومیر این بیماران شده است.

میلیون‌ها کودک و دانش‌آموز در مدارس ناامن و یخ‌شا تخریبی مجبور به درس‌خواندن هستند که امنیت جانی نداشته و هر بار فاجعه‌ای رخ داده و عزیزان مردم در کلاس‌های درس کشته شده‌اند. هزاران روستا با جمعیتی بالای ۱۵ میلیون نفر در کشور از حداقل‌های یک زندگی، آب، برق، گاز، جاده، خانه بهداشت و بیمارستان و... محروم‌اند. برای همه این موارد حکومت بهانه "کمبود بودجه و اعتبار و پول" دارد. اما در یک تصمیم خامنه‌ای حکومت صدها میلیون دلار برای اربعین که "اولویت اول" رژیم است، بدون هیچ تأخیری پول نقد و اعتبار و امکانات اختصاص می‌دهد.

اختصاص بودجه‌های نجومی برای "اولویت‌های حکومت"، اینجا مراسم اربعین یک‌بار دیگر نشان می‌دهد که تأمین حداقل‌های زندگی و رفاه و آسایش هیچ موقع امر این حکومت نبوده و نیست. حتی آن چندرغاز درآمد و زندگی‌های حداقلی که امروز مردم دارند و به‌سختی روزگاری گذرانند، نتیجه و ثمره جنگ و

هدیه آمریکا کمکی به نجات حکومت نمی‌کند
از صفحه نخست



اسلامی با گفتن اینکه ما قبلاً معادل این پول‌ها را قرض کرده‌ایم و خرج کرده‌ایم، آب پاکی روی سر خیلی‌ها که به آن امید داشتند ریخته است. آوار این اقتصاد ورشکسته و فلج بر زندگی کارگران و مردم زحمت کش هر روز دارد فرود می‌آید و فریاد همه را بلند کرده است.

ثانیاً جمهوری اسلامی حکومتی است که با بحران‌سازی بین‌المللی زاده شده و بدون بحران نمی‌تواند زندگی کند. صفوف حکومت با تعامل و توافق با دنیای بیرون به هم می‌ریزد.

بعلاوه و مهم‌تر از همه اینکه زنان، جوانان، کارگران و بازنشستگان و همه مردم در ایران دشمن تمام ارزش‌ها و سیستم حکومتی هستند و می‌خواهند به جامعه‌ای مدرن و انسانی و برابر و آزاد دست یابند که مردم در غرب هم خوابش را ندیده‌اند. تضاد و دره عمیقی این مردم را از حکومت و از سیستم حاکم جدا می‌کند.

باتوجه به همه اینها این نوع توافقات مطلقاً تأثیری جدی ای بر اوضاع سیاسی در ایران ندارد و کمکی به نجات حکومت اسلامی نخواهد کرد. روشن است که معامله و توافق دولت آمریکا و جمهوری اسلامی بیش از همه جریان‌ها را نامید کرده است. اینها قبلاً امیدشان به ترامپ بود که برایشان "رژیم چنج" به ارمان بی‌آورد. الان هم امیدشان به بازگشت یک چهره فاشیستی شبیه او در آمریکا است و عزا گرفته‌اند که با معامله دولت بایدن با جمهوری اسلامی، همه امیدهایشان بر باد رفته است. بگذریم که خود انقلاب مردم علیه حکومت اسلامی پیش‌ازین، امیدهایشان را نقش بر آب کرده بود.

روشن است که منزوی شدن جمهوری اسلامی در سطح دنیا به نفع مردم است. اما نکته اصلی که می‌خواهم تأکید کنم این است که جمهوری اسلامی به طور واقعی نمی‌تواند خود را از انزوای بین‌المللی بیرون بکشد و این نوع معاملات نه از نظر اقتصادی و نه از نظر انزوای بین‌المللی، کمکی به حکومت اسلامی نمی‌کند. همانطور که قبلاً توافق همه‌جانبه برجام کمکی به تغییر اوضاع به نفع حکومت نکرد و بحران ادامه یافت.

نکته اصلی این است که فقط جریان‌هایی که امیدی به مردم ندارند، تمام امیدشان را به دولت‌ها می‌بندند. بارها گفته‌ایم و باز هم تأکید می‌کنیم که تکلیف جمهوری اسلامی را مردم در داخل کشور تعیین می‌کنند نه دولت‌ها. دورهای که آمریکا دولت تعیین می‌کرد و خمینی را به مردم حقنه می‌کردند گذشته است و چه بهتر که گذشته است. جامعه آگاه‌تر و آبدیده‌تر از آن است که بشود طرح‌های رژیم‌چنجی را به آن تحمیل کرد. امروز این دولت‌ها هستند که ناچارند به خواست مردم گردن بگذارند نه برعکس. می‌دانم که بسیاری کسانی که به این حکم باور ندارند و قبلاً می‌گفتند همه چیز کار انگلیس است و الان هم نسل جدیدشان می‌گویند اگر آمریکا نخواهد جمهوری اسلامی نمی‌رود. اما حتی در سال ۵۷ هم این مطلقاً دولت‌های غربی نبودند که تصمیم گرفتند شاه را که مهره مطلوب و گوش‌به‌فرمان آنها بود، برکنار کنند و خمینی را بیاورند. بلکه وقتی که دیگر با انقلاب مردم امکان حفظ رژیم شاه برایشان ممکن نبود، با توطئه‌گری دارودسته اسلامی خمینی و بازگان و قطب‌زاده را جلو انداختند تا مانع قدرت‌گیری مردم و چپ شوند. امروز اما همین توطئه‌گری هم دیگر برایشان امکان‌پذیر نیست. چون که مردم به‌هیچ‌وجه زیر بار توطئه‌گری‌ها و رهبرتراشی‌های دولت‌ها نمی‌روند.

امروز تعیین تکلیف جمهوری اسلامی در دستور کار همه مردم در جامعه قرار گرفته است. انقلاب زن زندگی آزادی سوت آغاز پایان جمهوری منفور اسلامی را به صدا درآورده و فضای کل جامعه، فضای سرنگونی است و از آن کوتاه نمی‌آید. زیر پا گذاشتن گسترده حجاب اسلامی از سوی زنان و به

تمسخر گرفتن مراسم حکومتی محرم توسط جوانان، و منشورها و بیانیه‌های مردمی علیه حکومت، شاخص آشکار پیشروی این انقلاب است. حکومت وحشت‌زده طرح پشت طرح می‌دهد که بی‌حجابی و سرپیچی‌های گسترده را مهار کند و اوضاع را تحت کنترل در آورد. اما هرچه بیشتر تقلا می‌کند، بیشتر صفوفش به هم می‌ریزد.

محسن رزانی یکی از اقتصاددانان حکومتی اخیراً در مورد وضعیت حکومت و فضای جامعه اعترافات جالبی را بر زبان آورده است. او چنین می‌گوید "حکومت در یک مراحل و مقاطعی تراژدی آفرید. مصیبت آفرید، مصادره کرد، شعار داد، جنگ را بیهوده طولانی کرد با همسایه‌ها تندی کرد در ۶۷ آن فاجعه اعدام‌ها را آفرید. اینها همه رفتارهای تراژیک بود. حالا دیگه نه آن اعتبار هست نه مشروعیت هست. نه نسل همراهی می‌کند نه اعتماد و اعتبار عمومی هست. ما در این دوره داریم وارد بازی حذفی می‌شویم. مرحله اضمحلال! پس ما وارد مرحله هرز روی شدیم. مرحله هرز روی نوع سوم اضمحلال! دیگر سیستم کنترل خونریزی‌اش دست خودش نیست. در درون دارد خونریزی می‌کند ولی نمی‌تواند کنترل کند. قرارگاه حجاب و عفاف راه می‌اندازد. بابا! تو توان نداری؛ چون با یک لشکری روبرو هستی که در هر خانه یک سرباز بر علیه تو داره در حوزه فرهنگی می‌جنگد."

این وضعیت حکومت از زبان یکی از تئوریستی‌هایش است. این حکومت دورانش آشکارا به سر رسیده است و باید برود. هیچگاه مشروعیت نداشته و امروز برخلاف گفته رزانی در هر خانه نه یک سرباز بلکه چندین سرباز و فرمانده دارند نه فقط در حوزه فرهنگی بلکه همه‌جانبه علیه آن می‌جنگند. دولت‌های غربی هم قطعاً بجزودی از گنجی در خواهند آمد و متوجه خواهند شد که نباید روی اسب بازنده به‌هیچ‌وجه شرط‌بندی کنند.*

بودجه‌های نجومی برای مراسم اربعین حکومتی!
از صفحه ۴

مقاومت هرروزه‌شان در برابر سیاست‌های ضد مردمی و ضد انسانی این حکومت جنایت کار و آدمکش است. مردم ایران بیش از چهار دهه است برای زنده ماندن و نفس کشیدن درگیر جنگی تمام‌عیار با حکومت تروریست‌های اسلامی، دزدان و قاتلان حاکم بر کشور هستند.

از یک سال گذشته انقلاب مردم برای پایان دادن به حکومت سرکوبگران، دزدان و حامیان تروریسم اسلامی، حکومت غارت و چپاول و دزدی و فساد و... به میدان آمده است. هزینه‌های صدها میلیون دلاری که سهل است، اگر حکومت تمام امکانات مالی و نظامی و سرکوبش را هم به کار بگیرد، قادر نخواهد عطش رهایی مردم و آزادی را سرکوب کند و به عقب براند. همین که خودشان اعتراف می‌کنند می‌خواهند در برابر جنبش ضد مذهبی و ضد حکومتی به میدان آمده، در اربعینشان مثلاً در برابر انقلاب مردم "قدرت‌نمایی"، بکنند، نشان می‌دهد که وضعیت حکومت چقدر لرزان، درهم‌ریخته و بی‌افق است. مردم و انقلاب‌پشان عزم جزم کرده‌اند که بساط حکومت اسلامی، از جمله همین اربعین که این همه حکومت برایش هزینه کرده است را، بر سرشان خراب نمایند. در فردای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، تمام بودجه‌های اختصاص داده‌شده به دموکراسی عریض و طولیل مذهب و امکاناتی که در اختیار گسترش جهل و تروریسم و نابرابری قرار دارد، به سمت تأمین رفاه و آسایش مردم سوق داده خواهد شد.*

زن، زندگی، آزادی

اطلاعه‌های هفته اخیر

طرح طبقه‌بندی کارگزاران از زمان خصوصی‌سازی شرکت مخابرات ایران بود.

خبر دیگر اینکه به دنبال چند روز اعتراض کارگران نساجی بروجرد در هفته گذشته در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق‌ها و اخراج ۲۵ نفر از همکاران خود و نداشتن امنیت شغلی، امروز کارفرمای این شرکت وعده پرداخت دو ماه حقوق کارگران را داد. اما کارگران بر بازگشت به کار همکاران اخراجی خود و توقف اخراج‌ها نیز تأکید دارند.

امروز ۲۲ مرداد مال‌باختگان شرکت پیشتاز خودروی مهر در تاکستان نیز در اعتراض به دزدی و بالاکشیدن سپرده‌هایشان در مقابل ساختمان این شرکت تجمع کردند. این مال‌باختگان روز گذشته نیز تجمع داشتند.

همچنین در روز گذشته بیست و یکم مردادماه شاهد برگزاری تجمعات دیگری از سوی مردم معترض بودیم. از جمله جمعی از مرغداران به‌خاطر وضع بد معیشتی و کاری خود مقابل ساختمان وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند. همچنین گروهی از کارگران شهرداری زاهدان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان مقابل ساختمان شهرداری مرکز استان سیستان و بلوچستان تجمع و اعتراض کردند. از سوی دیگر جمعی از مردم معترض تبریز در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه و معضل آب مقابل ساختمان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری آذربایجان شرقی تجمع اعتراضی برپا کردند. در این تجمع حضور زنان برجسته بود و شعار می‌دادند: "سدها را بشکنید. دریاچه ارومیه را پر کنید!"

اعتراضات در سطح جامعه گسترده است. به‌ویژه بخش‌های مختلف بازنشستگان در هر هفته بیش از بیست شهر را به صحنه تجمع و راهپیمایی و اعتراض خود تبدیل می‌کنند. دو شعار کلیدی "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد" و "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد" فراخوانی به تجمعات میلیونی مردمی از سوی آنان است. این در حالی است که جامعه در تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی است. بدین‌گونه است که جامعه ادامه انقلاب برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی را فریاد می‌زند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ مرداد ۱۴۰۲، ۱۳ اوت ۲۰۲۳

به حزب کمونیست کارگری ایران
پیوندید!



۲۲ مرداد: تجمعات گسترده بازنشستگان تأمین اجتماعی

و چند حرکت اعتراضی دیگر

نابودباد زندگی، زنده‌باد زندگی!

امروز یکشنبه ۲۲ مرداد بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و در ادامه یکشنبه‌های اعتراض برای پیگیری مطالبات خود در مقابل تأمین اجتماعی در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات بنا بر گزارشات تا کنونی در شهرهای شوش، کرج، اردبیل، گلزارشهر، کرمانشاه، اهواز، و شوشتر برگزار شده است.

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد البرز غربی در ابهر نیز در اعتراض به گرانی و تورم و خواست‌های پاسخ‌نگرفته خود تجمع کردند. درمان رایگان، همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش سطح آنها و پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواست‌های فوری آنهاست.

در این تجمعات بازنشستگان با فریاد شعارهایشان اعتراضی کل جامعه علیه فقر و بی‌تامینی را نمایندگی کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "حقوق نصفه‌نیمه، سکوت کنی همینه"، "بازنشسته داد بزن حق‌تو فریاد بزن"، "توبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "تورم، شکسته پشت مردم!"، "از خوزستان تا گیلان/ ننگ بر مدیران"، "لشکری کشوری تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد"، "نابود باد زندگی، زنده‌باد زندگی!"

در شوش با وجود گرمای بالای ۵۰ درجه بازنشستگان از کرخه و شوش و هفت‌تپه گردآمده و با راهپیمایی در شهر و فریاد شعارهای کوبنده خود صدای اعتراضشان را بلند کردند. از جمله شعار می‌دادند: "تأمین رو غارت کردند، ما را بیچاره کردند"، "وزیر بی‌کفایت استعفا، استعفا"، "مجلس سرسپرده، گرانی رو آورده"، و "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون".

در کرمانشاه بازنشستگان شعار می‌دادند: "خواسته ما این زمان، معیشت است و درمان"، "دولت ورشکسته دشمن بازنشسته"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند"، و "تورم اسف‌بار حاکم شده تو بازار". در این تجمع بنر بزرگی با خواست درمان رایگان توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد. در این شهر بازنشستگان کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی در کنار هم تجمع کردند و در این روز یکی از معلمان بازنشسته در جمع بازنشستگان تأمین اجتماعی سخنرانی کرد و گفت: "اوضاع در جمیع جهات و تمامی ابعاد نابسامان است... شما ما را خوار کرده‌اید آیا هار شده‌اید؟! روزگار این چنین نخواهد ماند، عمر ظالم کوتاه است!"

بازنشستگان با شعار "کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی اتحاد، اتحاد" بر دردهای مشترک و مبارزات مشترک خود تأکید دارند. اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر سی‌میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به دزدی‌ها و اختلاس‌ها و پرداخت مطالبات بازنشستگان از جمله خواست‌های فوری همه بخش‌های آنان است.

همچنین در این روز معلولان در اردبیل و کرمانشاه بار دیگر در اعتراض به وضعیت اسف‌بار معیشتی، بودجه ناچیز اختصاص‌یافته به معلولین در بودجه ریاضتی سال ۱۴۰۲ و بودجه‌های معوقه توان‌بخشی. و عدم اجرای پنج‌ساله ماده ۲۷ قانون معلولان تجمع و اعتراض داشتند.

تجمع اعتراضی دیگر این روز از سوی کارگزاران مخابرات روستایی در استان‌های خوزستان، لرستان و خراسان رضوی مقابل استانداری در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و تبعیض‌ها برگزار شد. خواست‌های اعلام شده آنها در این اعتراضات عبارت بودند از: رفع تبعیض در نظام پرداخت حقوق بین کارکنان شهری و روستایی؛ اصلاح تاریخ شمولیت پایه سنوات و

تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات و اعتصاب کارگران اورهال پالایشگاه آبادان و مترو تهران

امروز ۲۳ مرداد در یکی دیگر از دوشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان مخابرات و چندین شهر تجمع کردند. اعتراض این بازنشستگان به گرانی و تورم و بی‌تامینی و مطالبات فوری پاسخ نگرفته خود از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدای سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی است. بنا بر خبرها این تجمعات تا کنون در شهرهای اصفهان، تبریز، اهواز، مشهد، ایلام، شیراز، رشت، کرمانشاه، تهران، اردبیل، شهرکرد، هرمزگان برگزار شده است.

در اهواز بازنشستگان با راهپیمایی در شهر فضای پرشوری از اعتراض آفریدند. در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"، "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "مخبر حیا کن آیین‌نامه را اجرا کن"، "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "حقوق بازنشسته پشت درهای بسته"، و "از بس دروغ شنیدیم یک روز خوش ندیدیم".

در این روز همچنین تجمع جمعی از کارکنان و پرسنل مترو تهران در اعتراض به برنامه ضدکارگری هفتم توسعه و نیز عدم رسیدگی به دیگر مشکلاتشان در محل مترو بهارستان دست به تجمع زدند. اعتراض کارگران مترو خصوصاً به ماده ۲۹ فصل پنجم از لایحه برنامه هفتم توسعه است که سن بازنشستگی را در مشاغل سخت و زیان‌آور افزایش می‌دهد. این تجمع قرار بود در مقابل مجلس صورت گیرد که با ممانعت نیروهای امنیتی روبرو شد.

خبر دیگر اینکه روز گذشته ۲۲ مرداد بیش از ۴۰۰ کارگر واحد تعمیرات پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم امنیت شغلی، پایین بودن سطح دستمزد، و شرایط کار طاقت فرسا مقابل درب اصلی پالایشگاه تجمع کرده و خواستار تبدیل وضعیت و امنیت شغلی خود شدند. مسئولان به آن‌ها وعده تبدیل وضعیت داده بودند؛ اما با گذشت سه سال کار سخت و پر مخاطره هنوز بلا تکلیف‌اند. بنا بر خبرها این کارگران به دلیل عدم تمکین پالایشگاه آبادان به "طرح حذف پیمانکار" که بر اساس آن باید در رابطه با خود پالایشگاه قرار گیرند و با قرارداد مستقیم تغییر وضعیت شوند، بی‌کار شده‌اند و کارگران به این وضعیت اعتراض دارند. این کارگران سابقه تا ۱۶ سال کار در پالایشگاه را دارند؛ ولی به دلیل عدم تداوم روزهای کاری در طول سالیان دراز تغییری در وضعیت شغلی‌شان ایجاد نشده و سابقه بیمه آنها بسیار کمتر از مدت‌زمان کاری‌شان است. در خبری "رئیس کمیته ساماندهی جذب نیروهای غیرمستمر پالایشگاه آبادان" می‌گوید: "بخش‌های بالادستی از جمله وزارت نفت باید نسبت به صدور مجوزات لازم برای جذب و تبدیل وضعیت این کارگران مجوز صادر کند، مجوزی برای تبدیل وضعیت این کارگران در اختیار مجموعه پالایشگاه آبادان نیست تا بتواند این خواسته کارگران را اجرایی کند". بدین گونه بخش‌های مختلف کارگران را پاس کاری کرده و پاسخی به آنها نمی‌دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ مرداد ۱۴۰۲، ۱۴ اوت ۲۰۲۳

مسئول جنایت شاه‌چراغ خود جمهوری اسلامی است

تیراندازی در شاه‌چراغ شیراز در روز یکشنبه ۲۲ مرداد منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از جمله یکی از خادمان شاه‌چراغ شد. خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه ادعا کرده است که ۱۰ نفر در ارتباط با این واقعه بازداشت شده‌اند که همه آنها اتباع کشورهای دیگری هستند. هیچ جریانی مسئولیت این حمله را به عهده نگرفته است؛ اما مقامات جمهوری اسلامی این حمله را به داعش نسبت داده‌اند. اما صرف‌نظر از اینکه عامل مستقیم حمله از مزدوران داعش باشد یا نه مسئول این واقعه خود جمهوری اسلامی است.

تنها جریانی که از این واقعه و اتفاقات مشابه نفع می‌برد یا لاف‌تراش می‌کند از آن استفاده کند، جمهوری اسلامی است. آلوده کردن فضای سیاسی، منحرف کردن اذهان مردم، پلیسی‌تر کردن محیط زندگی مردم، به حرکت

درآوردن قشر متعصب هواداران حکومت و آماده کردن زمینه برای شکنجه و اعدام از جمله اهدافی است که جمهوری اسلامی در این اتفاقات دنبال می‌کند. آتش‌سوزی در اوین و حمله قبلی به شاه‌چراغ در مهر و آبان سال قبل دو مورد مشابه بودند که رژیم تلاش کرد با استفاده از آنها فضای سیاسی را مسموم و منحرف کند. بعلاوه حتی اگر حمله روز گذشته توسط داعش و نه خود حکومت صورت گرفته باشد، باز هم چیزی از مسئولیت حاکمان جنایت‌کار کم نمی‌کند. حکومت اسلامی پیش‌قراول داعش است، اگر جمهوری اسلامی نبود این تخم و ترکه‌های اسلامی و از جمله مزدوران سلفی نیز که در هفته‌های گذشته در سنندج و سقز دست به جنایت زدند موجودیتی نداشتند. بی‌جهت نیست که در جریان این اتفاقات مردم انگشت اتهام را بلافاصله به‌طرف جمهوری اسلامی نشانه می‌روند. مردم به‌خوبی این حکومت را شناخته‌اند و می‌دانند که هر توطئه و جنایتی از آدمکشان حاکم بر می‌آید.

پایان دادن به این جنایات و این ناامنی‌ها تنها و تنها از طریق سرنگونی حکومت نکبت اسلامی می‌گذرد. جمهوری اسلامی تلاش می‌کند که اذهان مردم را به‌طرف دشمنان دیگری منحرف کند؛ اما این جنایات به درست خشم و نفرت مردم را علیه خود جمهوری اسلامی تشدید می‌کند. اگر حکومتیان استاد جنایت و توطئه‌اند، توده‌های وسیع مردم نیز درس‌هایی بسیار گران‌بها و فراموش‌نشده در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و به‌ویژه در جریان انقلاب زن زندگی آزادی آموخته‌اند و در مقابل هیچ توطئه‌ای هدف خود را که سرنگونی جمهوری اسلامی است گم نمی‌کنند. دشمن ما همین‌جا است یکی از شعارهای کلیدی مردم و نشانه هوشیاری سیاسی بالای جامعه است. پایان جمهوری اسلامی پایان دار و دسته‌های مختلف تروریست اسلامی نیز هست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ مرداد ۱۴۰۲، ۱۴ اوت ۲۰۲۳

۲۴ مرداد: تجمعات بازنشستگان کشوری در ۱۴ شهر

ویک خبر دیگر

اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبودی

روز ۲۴ مرداد بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته همچون سه‌شنبه‌های گذشته در مقابل ساختمان صندوق‌های بازنشستگی در شهرهای مختلف تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. اعتراض آنان همچون دیگر بخش‌های بازنشستگان به فقر و گرانی، اختلاس‌ها و دزدی‌ها، به تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و همچنین به دستگیری‌ها و بازداشت‌هاست و یک تأکید فوری آنان آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی است. گزارشات تا کنونی از تجمعات در شهرهای سنندج، کرمانشاه، قزوین، خرم‌آباد، ایلام، پلدختر، تبریز، بیرجند، اصفهان، اردبیل، ساری، شهرکرد، همدان، تهران، خبر می‌دهند.

در کرمانشاه تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: "اگر ماها نبودیم تو آن بالا نبودی"، "دشمن ما همین‌جاست، دروغ می‌گن آمریکاست"، "ای بر کرسی نشسته، دروغ و وعده بده"، و "ننگ ما، ننگ ما صدواوسیمای ما". یک شعار تازه و متفاوت بازنشستگان که آشکارا پاسخی به چراغ‌سبز آمریکا به حکومت اسلامی است، این بود "دشمن ما آمریکاست، دست تو دست آخوند است".

در سنندج جمعی قابل‌توجه از بازنشستگان کشوری و معلمان بازنشسته تجمع داشتند و با شعار "گرانی تورم بالای جان مردم" بازتابی از اعتراض همه مردم علیه گرانی‌ها و اختلاس‌ها بودند. آنها همچنین شعار می‌دادند "نه وعده، نه سازش، اجرای همسان‌سازی". در قزوین یکی از بازنشستگان طی سخنرانی‌ای بر مطالبات معیشتی، درمانی و رفاهی بازنشستگان تأکید کرد و تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: "اجرای همسان‌سازی حق مسلم ماست".

در اردبیل تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: "آموزش رایگان حق مسلم ماست"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "رئیس‌ی. دروغگو حاصل وعده‌هاست کو"، و "دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند".

منطقه‌های و فلج اقتصادی بی‌سابقه از یک سو و از سوی دیگر عزم مردم که برای سرنگونی حکومت خیز برداشته‌اند نمی‌تواند به جنگ این مردم برود. می‌داند که این جامعه هر لحظه آماده انفجار است. تردید ندارد که موج‌های بعدی انقلاب قدرتمندتر از قبل در راه است.

سرکوبگری‌ها را با مشت آهنین انقلاب زن زندگی آزادی پاسخ می‌دهیم و به رژیم اسلامی نشان خواهیم داد که عمر ننگین و پُر از جنایتش به پایان نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. هر روز تا ۲۵ شهریور و بعدازاین روز تاریخی می‌تواند فرصتی باشد تا مردم پرچم انقلاب را به اهتزاز درآورده و پیشروی به سوی سرنگونی جمهوری اسلامی را به واقعیت نزدیک‌تر کنند. انقلابی که در بطن جامعه و در تاروپود زندگی مردم ریشه دوانده است، قصد بازایستادن ندارد.

نابود باد حکومت جنایت‌کار اسلامی

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ مرداد ۱۴۰۲ - ۱۷ اوت ۲۰۲۳

پرونده‌سازی برای کارگران و مردم معترض آق‌دره

رامحکوم می‌کنیم

روز دوشنبه ۲۳ مرداد دادگستری آذربایجان غربی از صدور کیفرخواست و تشکیل پرونده برای ۳۲ نفر از دستگیرشدگان اعتراض کارگران و مردم به اتهام "اخلال در معدن آق‌دره" تکاب خبر داد. مقامات قضایی حکومت در رابطه با این پرونده‌سازی گفته‌اند: "اتهامات این افراد ممانعت از فعالیت معدن، تمرد در مقابل مأمورین انتظامی حین انجام‌وظیفه از طریق حمله و مقاومت، اخلال در نظم و آسایش عمومی از طریق هیاهو و جنجال و درگیری، نسبت به مأموران بوده که پرونده تشکیل و به دادگاه ارسال شده است!

ماجرای از این قرار است که روز یکشنبه ۸ مرداد ده‌ها نفر از مردم روستای آق‌دره در شهرستان تکاب در اعتراض به عدم استخدام نیروهای این روستا در معدن آق‌دره، در مقابل این معدن دست به تجمع زدند. در جریان این تجمع نیروهای سرکوبگر به مردم تیراندازی کردند و سه نفر را مجروح و نزدیک به ۵۰ نفر را دستگیر نموده و به زندان ارومیه انتقال دادند. اکنون باگذشت بیش از دو هفته حکومت قصد دادگاهی کردن دستگیرشدگان را دارد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) این دستگیری‌ها و پرونده‌سازی‌ها را قویاً محکوم می‌کند. این نهاد تلاش می‌کند صدای کارگران معدن آق‌دره و بازداشت‌شدگان این اعتراضات در سطح جهان باشد. بازداشت‌شدگان آق‌دره باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی فری دم ناو (FTN)

۲۳ مرداد ۱۴۰۲



در خرم‌آباد بیش از ۱۵۰ نفر از معلمان بازنشسته از تمام نهادهای مرکز استان و نورآباد شرکت داشتند. در این تجمع قطعنامه‌ای مشتمل بر چندین بند توسط یکی بازنشستگان قرائت شد و اهم خواسته‌های بازنشستگان به تأیید حاضرین رسید تا در اختیار مقامات مربوطه قرار گیرد.

در این روز همچنین کارگران پیمانکاری ابنیه فنی رضوان درود در استان کرمان در اعتراض به دستمزدهای نازل و اجرانشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل اعتصاب کرده و در محل کار خود دست به تجمع زدند. به گفته کارگران در این محدوده ریلی حدود ۴۰۰ کارگر مشغول به کار هستند و پیمانکار وعده داده بود تا روز دوشنبه طرح طبقه‌بندی مشاغل را اجرا خواهد کرد؛ اما به وعده خود عمل نکرد.

اعتراضات گسترده بازنشستگان و شعارهای اعتراضی کوبنده آنها بازتابی از فضای انقلاب جامعه در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی است.

علاوه بر تجمعات اعتراضی کارگری، اعتراضات در میان بخش‌های مختلف جامعه گسترده است. روز گذشته خانواده‌های کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی در اعتراض به تخریب سنگ مزار جان‌باختگان، در بهشت‌زهرا تهران تجمع کردند. جمهوری اسلامی مزارهای جان‌باختگان را مورد یورش قرار می‌دهد تا از تجمعات اعتراضی مردمی علیه کشتار رژیم جلوگیری کند. اما مراسم‌های گرامیداشت جان‌باختگان و یادمان‌ها یک عرصه مهم جنبش دادخواهی علیه حکومت و جنایت و سرکوب است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ مرداد ۱۴۰۲، ۱۵ اوت ۲۰۲۳

گسترش دستگیری‌ها علاج

درد بی‌درمان حکومت نمی‌شود!

حکومت اسلامی با نزدیک شدن به سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و روز مهسا (ژینا) امینی بر دستگیری‌ها و احضارها شدت داده است تا به خیال خود این روزها را بدون دردسر سپری کند.

از جمله تعداد قابل‌توجهی از فعالین سیاسی - اجتماعی و جوانان انقلابی را در حداقل ده شهر کردستان دستگیر کرده است. در گیلان در چند روز گذشته ۱۳ تن از فعالین شناخته شده حقوق زنان و در دهلران حداقل ۱۰ نفر از فعالین به اسارت نیروهای سرکوب درآمده‌اند. ۲۸۴۳ دانشجوی در دانشگاه‌های مختلف کشور احضار شده و صدها نفر از ورود به دانشگاه و خوابگاه محروم شده‌اند. برای تعدادی از معلمان و بازنشستگان پرونده‌سازی کرده و چهار نفر از اعضای کانون صنفی معلمان رشت را به دادگاه کشانده است. تعدادی از معلمان را بازخرید یا اخراج یا اجباراً بازنشسته کرده است. برای فعالین سینمایی احکام قضایی تازه‌ای صادر کرده و فشار بر خانواده‌های دادخواه برای جلوگیری از برگزاری مراسم جان‌باختگان گسترش یافته است.

نمونه‌های فوق که تنها گوشه کوچکی از سرکوبگری‌های حکومت در ماه‌های اخیر است، نشانه ابعاد وسیع اعتراض و وحشت حکومت از نزدیک شدن به سالروز انقلاب است. مردمی که مورد هجوم حکومت قرار گرفته‌اند به اشکال مختلف دست به اعتراض می‌زنند. معلمان کمپین صدهزار امضا راه انداخته‌اند، دانشجویان و زنان و جوانان در کردستان و گیلان و تهران و سراسر کشور خود را برای سالروز انقلاب آماده می‌کنند، سینماگران علیه احکام دادگاه بیانیه تندی منتشر کرده‌اند، خانواده‌های دادخواه بی‌وقفه مراسم می‌گیرند و کیفرخواست صادر می‌کنند و موج بی‌حجابی زنان قصد فروکش ندارد. حاکمان چنان وحشت دارند که به فکر تعویق شروع سال تحصیلی هستند.

اگر رژیم می‌توانست با بگیروبیند جامعه را مرعوب و منکوب کند این کار را پیش‌ازاین به سرانجام می‌رساند. اگر می‌توانست از "خدای دهه شصت" مدد بگیرد و با کشتارهای بی‌امان فضای وحشت و اختناق ایجاد کند، تردید نمی‌کرد. اما به حکم انزوای روزافزون بین‌المللی، موقعیت درهم‌شکسته

ادامه فشارهای امنیتی بر معلمان

و کارزار یک صد هزار امضا

تاکنون ۲۸ هزار معلم به کارزار یک صد هزار امضا پیوستند

روز شنبه ۲۱ مرداد دادگاه معلمان بازنشسته غلامرضا اکبرزاده باغبان، تیمور باقری (۶۹ ساله)، حسین مهدی‌زاده (۷۸ ساله) و طهماسب سهرابی (۷۶) ساله با حضور وکلای آقایان رامین صفرنیا و قاسم بزرگ‌زاده در شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت برگزار شد. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان تأکید قاضی بیشتر بر محتوای بیانه‌های کانون صنفی فرهنگیان گیلان و قطعنامه‌های شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بود که مقامات امنیتی پربینت آنها را به عنوان اسناد تبلیغ علیه نظام ارائه کرده بودند. در این جلسه طولانی وکلا و این چهار عضو کانون صنفی معلمان گیلان ضمن تأکید بر حق بودن مبارزاتشان موارد مستندی را در رد اتهامات بیان داشتند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم کردن پرونده‌سازی‌ها علیه فعالین اعلام کرده و می‌نویسد: "مطالبات معلمان محصول بی‌تدبیری‌های حاکمیت در چهار دهه گذشته است و صدور چنین احکامی مانع تداوم اعتراضات جامعه معلمان نخواهد بود".

همچنین در ادامه فشار بر معلمان معترض لیدا اسماعیلی از معلمان استان البرز به بازنشستگی پیش از موعد، علیرضا همتی از معلمان ایلام به چند ماه انفصال از خدمت، امید افضلی پور معلم در استان چهارمحال و بختیاری به ۳ ماه انفصال از خدمت و منصوره سرفراز از معلمان گیلان به بازنشستگی اجباری با ۲۵ روز و تقلیل گروه محکوم شدند و از فرنگیس قشقایی معلم در کرج برای حضور نیافتن در اعتراضات تعهد گرفته شده است.

از سوی دیگر خبرها حاکی از وخامت وضعیت جسمی جعفر ابراهیمی، بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران، در زندان اوین است. جعفر ابراهیمی به دلیل مشکلات گوارشی و عدم رسیدگی پزشکی تخصصی، وضعیت جسمی وخیمی پیدا کرده است. او مدت‌هاست که به دلیل عود بیماری التهاب روده نیاز فوری به درمان داد و به دلیل این بیماری در دو ماه اخیر هشت کیلو وزن از دست داده و دست و پا و دهانش نیز درگیر این بیماری شده است. جعفر ابراهیمی بارها به بهداری زندان مراجعه و داری تجویز شده توسط پزشک متخصص زندان، مشروط به مصرف در شرایط ایزوله می‌باشد و این امکان در زندان وجود ندارد. باتوجه به این وضعیت بحرانی، پزشکی قانونی ضرورت آزادی هر چه سریع آقای ابراهیمی از زندان را اعلام نموده است؛ اما مسئولین زندان با فرستادن پرونده وی به کمیسیون و نیز عدم پاسخگویی، توجهی به ضرورت درمان این فعال صنفی ندارند. وضعیت جسمی جعفر ابراهیمی در زندان روز به روز وخیم‌تر و بدون داشتن هیچ سابقه‌ای پیشین، به دلیل فشارهای دوران انفرادی و نیز زندان، متأسفانه به دیابت نیز مبتلا شده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن انتشار این خبر بر زادی و درمان فوری وی تأکید کرده است.

بعلاوه بنا بر خبر دیگری عزیز قاسم‌زاده معلم و خواننده زندانی به علت عارضه سنگ صفرا روز یکشنبه ۲۲ مرداد مورد عمل جراحی قرار گرفت. او به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال زندان محکوم شده و از ۱۹ فروردین در زندان لاگان رشت در حال گذران دوران محکومیت یک ساله خود می‌باشد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان همچنین گزارش می‌کند که سیسیل کولر معلم زندانی فرانسوی یک ماه است که با خانواده‌اش تماسی ندارد. سیسیل کولر و ژاک پاریس دو معلم سندیکالیست فرانسوی هستند که در پس سفر به ایران و ملاقات با فعالین کارگری و تعدادی از اعضای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، برای تبادل تجربیات خود، با پرونده‌سازی امنیتی مسخره جاسوسی هنگام بازگشت، بازداشت شدند و از اردیبهشت ۱۴۰۱ تاکنون بیش از ۱۵ ماه است در زندان اوین به سر می‌برند! نوامی کولر، خواهر سیسیل کولر، معلم فرانسوی زندانی در اوین، در توپیت‌ریش نوشت که: خواهرم سیسیل، در آخرین تماسی که داشت گفت که این تماس‌ها برایم مثل هوای تازه است. از ۴ جولای، یک ماه پیش، هیچ خبری از او نداریم و این غیرانسانی است. او باید از آن جهنم بیرون بیاید".

آخرین خبر مربوط ریوده شدن و شکنجه سونیا شریفی دانش‌آموز هفده‌ساله در آبدانان است. بر اساس گزارشات منتشر شده، روز چهارشنبه ۱۸ مردادماه ۱۴۰۲، سونیا شریفی، توسط نیروهای امنیتی این شهر با توسل به زور سوار ماشین شده و پس از انتقال به مکان نامعلومی، مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار گرفته و سپس در همان مکان رها شده است. این دانش‌آموز ۱۷ ساله از ناحیه سر زخمی شده است. سونیا شریفی شانزده سال داشت که در جریان اعتراضات مردمی در ۲۸ آبان ۱۴۰۱ همراه با ضرب و جرح بازداشت و در دادگاه انقلاب ایلام به "محاربه" متهم و محکوم شده بود که نهایتاً در تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۴۰۱، با تودیع وثیقه آزاد شد.

این خبرها گوشه‌ای از یک جدال وسیع مردمی با حکومت منفور جمهوری اسلامی و سرکوبگری‌های رژیم خصوصاً در قبال معلمان معترض است. "کمپین یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی یک پاسخ معلمان به این سرکوبگری‌ها است. اعتراض این کمپین به ادامه بازداشت‌ها و به دستگیری‌های بیشتر و به پرونده‌سازی و احکام سنگین اخراج، زندان، بازخریدی، بازنشستگی اجباری و انفصال از خدمت برای صدها معلم در سراسر کشور است.

تاکنون هزاران نفر از این کارزار حمایت کرده و خواستار توقف روند سرکوب معلمان شده‌اند. بنا بر آخرین گزارش برگزارکنندگان این کارزار تاکنون بیش از ۲۸ هزار نفر از این کمپین اعلام حمایت کرده‌اند. این در حالی است که کانون‌های صنفی معلمان از شهرهای مختلف و دیگر نهادهای کارگری طی بیانه‌هایی همبستگی خود را با این کارزار اعلام کرده‌اند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر حمایت وسیع مردمی از این کارزار تأکید دارد. خواست‌ها و اعتراضات معلمان، به‌ویژه خواست تحصیل رایگان برای همه خواست همه مردم است. مبارزه معلمان علیه امنیتی کردن مبارزات راهکاری در برابری سرکوبگری‌های حکومت است. از کارزار یکصد امضایی معلمان برای آزادی همکاران زندانی‌شان باید میلیونی حمایت کرد. در کنار این کارزار با تجمعات اعتراضی سراسری و قدرتمند می‌توان سرکوبگری‌های حکومت را به عقب زد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش می‌کند که صدای این کارزار در سطح جهان باشد.

شهلا دانشفر

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

اطلاعیه شماره یک آغاز کارزار:

"شکنجه دارویی، قتل عمد خاموش دولتی"

رژیم اسلامی در ایران زندانیان را مورد شکنجه دارویی قرار می‌دهد. به دنبال بیانه اخیر کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به دولت‌ها و سازمان‌های جهانی در رابطه با شکنجه دارویی زندانیان سیاسی، این کمیته کارزاری را جهت جلب توجه جهانی به وضعیت زندانیان سیاسی و بالاخص قتل خاموش زندانیان توسط شکنجه دارویی اعلام کرده است. رژیم اسلامی ایران عاقدانه و به طور سیستماتیک با فرستادن زندانیان سیاسی به مراکز روانپزشکی و دادن داروهای ضد روان‌پریشی به عنوان نوعی شکنجه، آنان را در معرض شکنجه‌های روحی و جسمی بیشتری قرار داده است. حکومت اسلامی سال‌هاست سیاست حذف فیزیکی زندانیان سیاسی را به طرق مختلف به یکی از سیاست‌های معمولش تبدیل کرده است. رژیم در راستای این سیاست غیرانسانی که جامعه آن را "قتل خاموش" نامیده، بجای اعدام زندانیان سیاسی که برای او هزینه سیاسی سنگینی دارد، دست به حذف فیزیکی او می‌زند.

یکی از این روش‌ها تبعید زندانی به مراکز به روان‌پزشکی، بستری اجباری، خوراندن داروهای روان‌گردان است.

۲۵ شهریور، ۱۶ سپتامبر، روز مهسا (ژینا):

روز طنین زن زندگی آزادی

در خیابان‌های جهان!

سالگرد انقلاب قهرمانانه مردم ایران، انقلاب زن زندگی آزادی فرامی‌رسد.

در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، برابر با ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳، قلب پرشور مهسا (ژینا) امینی در اثر شکنجه و ضرب و شتم مأموران حجاب حکومت اسلامی از حرکت باز ایستاد و ایران را یکباره خشم و انقلاب فراگرفت. این سرآغاز انقلابی سراسری و فراگیر با شعار "زن، زندگی، آزادی" شد که جهان را به وجد آورد و به احترام واداشت. انقلابی که اولین انقلاب زنانه تاریخ بشر نام گرفت. انقلابی که علی‌رغم وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها و قتل صدها تن از عزیزترین فرزندان مردم و زخمی و زندان کردن هزاران نفر دیگر، همچنان در عمق جامعه ایران جریان دارد.

اکنون که سالگرد شروع این انقلاب نزدیک می‌شود مردم ایران چه در داخل و چه در خارج کشور در تدارک گرامیداشت هرچه باشکوه‌تر این روز و تداوم گسترده‌تر انقلاب خویش‌اند. این روزی است که از سقز و سنندج و تهران و شیراز و زاهدان گرفته تا لندن و پاریس و ونکوور و سیدنی شعار زن زندگی آزادی در خیابان‌ها طنین خواهد انداخت. این روزی است که وحشت مرگ بر سرتاپای جمهوری اسلامی خواهد انداخت و به همه قدرت‌های جهان یادآور خواهد شد که مردم ایران عزم جزم کرده‌اند تا خود و جهان را از شر جمهوری اسلامی رها کنند.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، روز مهسا (ژینا) تلاش می‌کند. در خارج کشور ما همراه با ایرانیان مقیم کشورهای مختلف در تدارکیم تا شهرهای مختلف جهان مراسم‌ها و تظاهرات‌هایی در گرامیداشت ۲۵ شهریور، ۱۶ سپتامبر، برپا کنیم. از همه ایرانیان ساکن شهرهای مختلف جهان دعوت می‌کنیم تا بهر شکل ممکن با ابتکارات مختلف و به‌ویژه برپایی تظاهرات‌ها در گرامیداشت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی این روز را گرامی بدارند.

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی

سرنگون باد جمهوری اسلامی

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران

لیست کمک مالی به کمیته کردستان

- کیومرث کرمانشاه ۲۰۰ دلار
- شجاع تگزاس ۱۵۰ دلار
- مجید آذری ۱۰۰ دلار
- علاءالدین فرهادپور ۵۰ دلار
- صادق احمدی ۵۰ دلار
- هاشم قربانی ۵۰ دلار
- عباس ایاغ ۱۰۰ دلار
- جان کمالی ۱۰۰ دلار
- اسماعیل مردوخ ۱۶۰۰ کرون سوئد
- شیرزاد چوپانی ۵۰ پوند انگلیس

شکنجه دارویی زندانیان سیاسی در دهه‌های گذشته مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از این شکنجه در پنج سال گذشته افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۸، هاشم خواستار، فعال شناخته شده حقوق معلمان ریوده شد و مستقیماً به یک بیمارستان روانی در شهر مشهد فرستاده شد. کیانوش سنجر، فعال حقوق بشر، از تجربه هفت بار انتقال به مراکز روانپزشکی گفته است. بهنام محجوبی در سال ۲۰۲۰ دستگیر و به اجبار در بیمارستان روانی امین‌آباد بستری و در فوریه ۲۰۲۱ بر اثر تزریق اجباری داروها و تزریقات ناشناخته درگذشت.

در اعتراضات اخیر پس از مرگ ژینا مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱، استفاده از شکنجه دارویی توسط رژیم اسلامی و سپاه پاسداران برای ساکت کردن زندانیان و خانواده‌های آنان به طرز نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است. در برخی موارد بازداشت‌شدگان چند روز پس از آزادی به دلیل "خودکشی" جان خود را از دست داده‌اند. مرگ یلدا آفاضلی ۹ ساله چند روز پس از آزادی و مرگ عرشیا امامقلی زاده ۶ ساله و عباس منصوری ۹ ساله از این موارد هستند. عرشیا امامقلی زاده و عباس منصوری به خانواده گفته بودند که در زندان به آنها فرصت‌های ناشناس و داروهای ناشناس تزریق شده است.

در تمام مواردی که اعلام شده است زندانی پس از آزادی دست به "خودکشی" زده و یا در اثر مرگ مشکوک جان باخته است زندانی هیچ‌گونه بیماری جسمی خطرناک و یا مشکلات روحی و روانی تا قبل از زندان نداشته است.

به دنبال افشاگری تعدادی از زندانیان سیاسی سابق، زندانیانی که در زندان دست از اعتراض و دادخواهی برمی‌دارند، تحت داروهای روان‌گردان قرار می‌گیرند و یا به مراکز روان‌پزشکی تبعید می‌شوند.

امروز انتشار پیام‌های ویدئویی علنی مبنی بر سالم بودن و عدم سابقه هر گونه بیماری روحی و روانی میان فعالینی که از طرف وزارت اطلاعات احضار می‌شوند، به سنتی جاافتاده علیه سیاست کثیف غیرانسانی "قتل خاموش" رژیم، تبدیل شده است.

همچنین خانواده‌ها و مردم در مقابل این جنایات ساکت ننشسته و با افشاگری و اعتراض در داخل و خارج از کشور، جنایاتی از این دست برای رژیم هزینه زیادی در برداشته است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از همه کسانی که با این روش شکنجه شده‌اند و یا کسانی را می‌شناسند که این‌گونه شکنجه و یا کشته شده‌اند، می‌خواهد اطلاعات خود را از طریق آدرس‌های تماس برای ما ارسال کنند و بدین ترتیب به پروسه محکوم‌شدن و محاکمه عاملین و آمرین این جنایات در سطح بین‌المللی کمک کنند.

از سازمان‌های مدافع حقوق انسانی دعوت می‌کنیم که امکانات خود را جهت افشاکردن شکنجه دارویی و جلب همبستگی جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی به کار بگیرند.

ما از مردم شریف و آزادی‌خواه، نهادهای حقوق بشری، سازمان‌های سیاسی و احزاب می‌خواهیم به کارزار شکنجه دارویی این قتل عمد خاموش دولتی بیبویید صدای زندانیان سیاسی باشیم و نگذاریم صدای اعتراضشان خاموش شود.

۱۶ مرداد ۱۴۰۲، ۷ آگوست ۲۰۲۳

لینک بیانیه انگلیسی:

<https://wp.me/p9yWrk-3ve>

**رژیم آپارتاید جنسی در ایران،
مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای
جنوبی، باید از جامعه جهانی اخراج شود!
سرنگون باد جمهوری اسلامی!**

گزارشی از آکسیون‌های هفته اخیر

در شهر کاسل آلمان آکسیونی در روز شنبه ۱۲ آگوست در حمایت از مبارزات مردم ایران در انقلاب "زن، زندگی، آزادی" برگزار شد و سخنرانان زیادی به زبان آلمانی در این آکسیون سخنرانی کردند تا باز هم صدای انقلاب پر قدرت مردم ایران را به گوش جامعه میزبان، کشور آلمان، برسانند.

روز شنبه ۱۲ آگوست، آکسیونی در اعتراض به شکنجه داری زندانیان سیاسی و با خواست آزادی زندانیان سیاسی در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد و توانست بازتاب رسانه‌ای قابل توجهی را به خود جلب کند.



زندگی سیاسی آزادی باید گرو!

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpiran>

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>



ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com